

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع:

بحران جمعیت در حوزه معیشتی و اقتصادی  
(تاثیرگذاری معیشت و اقتصاد خانواده ها در رشد و یا کاهش جمعیت)

مدرس : فوزیه نوری

بهمن ماه ۱۴۰۲

## فهرست:

- ☐ جمعیت فرهنگی یا اقتصادی
- ☐ جمعیت از منظر اقتصادی
- ☐ رشد فناوری همراه با رشد جمعیت
- ☐ جمعیت برونزا است
- ☐ رشد جمعیت یعنی رشد نخبگان
- ☐ نگاه خنثی به جمعیت و اقتصاد
- ☐ اقتصاد پولی
- ☐ تأثیر افزایش جمعیت بر اقتصاد
- ☐ نظریه اقتصاددانان
- ☐ ☐ آدرس غلط جمعیت آوری
- ☐ ☐ آسیب های پیری در اقتصاد

## موضوع جمعیت فرهنگی است یا اقتصادی؟

بررسی دقیق عوامل متعدد موثر بر بحران جمعیت و رجوع به یافته‌های پژوهشی و قرائن، ما را به این نتیجه می‌رساند که سهم عوامل فرهنگی موثر بر بحران جمعیت بیش از مشکلات اقتصادی است.

اغلب وقتی پیرامون جمعیت صحبت می‌شود، می‌گویند عامل کاهش فرزندآوری بحث اقتصادی است و تا وقتی مشکلات اقتصادی و معیشتی حل نشده و مردم آینده امنی برای وضع معیشتی خود تصور نکنند، نباید از آنان توقع فرزندآوری داشت و فعالیت در این زمینه بی‌فایده است. عدم پاسخ به سوال مهم «فرهنگ یا اقتصاد»، بسیاری از افراد دغدغه‌مند را از تلاش و تبلیغ در جهت نجات آینده جمعیتی کشور از سیاه‌چال سالمندی منصرف کرده است. همه ما قبول داریم طی یک دهه گذشته، کشور با تورم و تحریم دست و پنجه نرم کرده و بی‌قراری نرخ دلار، مدام ثبات و آرامش را از بازار گرفته، گرانی سفره بسیاری از مردم را کوچک کرده، سال‌ها شرطی شدن بازار به دیپلماسی و توافق و عدم توافق و رهاشدگی وضع اقتصاد و بی‌تدبیری در کنترل گرانی‌ها، اعتماد مردم را از تصمیمات اقتصادی مدیران سلب کرده؛ به طوری که این روزها با وجود حمایت‌های دولت در پرداخت یارانه کمک معیشتی باز هم آرامش به روان جامعه باز نمی‌گردد و از اینکه آینده چه می‌شود نگرانی دارند. طبیعتاً چنین شرایطی اقدام به ازدواج و فرزندآوری را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

وقتی با یک بحران مثل کاهش شدید نرخ رشد جمعیت روبه‌رو هستیم، باید عوامل مختلف پدیدآورنده آن را شناخته و سهم هر عامل را بررسی کنیم. عدم شناخت وزن هر عامل، روش‌های مقابله‌ای ما را از فایده کافی خالی می‌سازد. بررسی دقیق عوامل متعدد موثر بر بحران جمعیت و رجوع به یافته‌های پژوهشی و قرائن، ما را به این نتیجه می‌رساند که سهم عوامل فرهنگی موثر بر بحران جمعیت بیش از مشکلات اقتصادی است. این یعنی ما در مواجهه با این بحران باید به پیشران‌های فرهنگی بیشتر و پیش‌تر یا لااقل همسنگ پیشران‌های اقتصادی توجه کنیم. توجه به تمهیدات فرهنگی به معنای کم‌اهمیت دانستن تسهیلات اقتصادی نیست. در حال حاضر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به عنوان تنها قانون حامی جمعیت کشور بیش از ۲۰ ماده را به تسهیلات و مشوق‌های مالی و اقتصادی اختصاص داده که می‌تواند به خانواده‌ها برای اقدام به فرزنددار شدن دلگرمی دهد اما غفلت از فرهنگ‌سازی می‌تواند موجب کم‌اثر شدن مشوق‌های اقتصادی شود.

دلایل متعددی می‌توان برای این ادعا بیان کرد:

- با اجرای سیاست کاهش جمعیت در ابتدای دهه ۷۰، نرخ باروری کشور از ۶-۷ فرزند به زیر ۲ فرزند کاهش پیدا کرد! چنین تغییر رفتار بی‌سابقه‌ای که در مدت زمان کمتر از تغییر یک نسل اتفاق افتاده، مسلماً باید دلیلی بیش از اعمال سیاست‌های تعدیل جمعیت داشته باشد و باید عوامل فرهنگی را دلیل مکمل و تمام‌کننده تغییر نگرش و رفتار ایرانیان دانست؛ مخصوصاً وقتی آمار کاهش فرزندآوری را در کنار کاهش ۴۰ درصدی ازدواج طی ۱۰ سال گذشته قرار دهیم. از ابتدای دهه ۷۰، شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» از درون زایشگاه جلوی چشم مردم بود تا خیابان و پارک و درمانگاه و مدرسه و تبلیغات و فیلم‌های تلویزیونی و سینما. بار فرهنگی القاشده توسط این شعار و تبلیغات مشابه آن، فرزندآوری را در تقابل با رفاه و راحتی نشان داده و ایده منسوخ «کمیت از کیفیت می‌کاهد» را ترویج کرد. از آثار تبعی این القائات و فضای حاکم بر دوران سازندگی، ترویج رفاه‌زدگی و تبدیل جامعه ایرانی به یک جامعه مصرف‌گرا و کالازده و نسلی به دنبال کسب سود آنی بود. مطالعات جامعه‌شناختی مؤید این مطلب است.
- طبق مطالعات دانشگاه‌های علوم پزشکی و پزشکی قانونی که در ماهنامه‌های تخصصی منتشر شده، روزانه در ایران صدها سقط عمدی غیرقانونی با دلایلی چون عدم تمایل به داشتن فرزند بیشتر و فاصله کم با فرزند قبلی، نگرش منفی اجتماع نسبت به تعدد کودکان و ضعف اعتقادات مذهبی صورت می‌گیرد. (مجله علمی پزشکی قانونی/ دوره ۱۸/ شماره یک)
- برخلاف تصویری که فقر را نخستین عامل سقط عمدی تلقی می‌کند، پژوهش عرفانی و شجاعی درباره سقط عمدی در تهران (مجله زنان زایمان نازایی/ دوره ۲۱ / شماره ۳ / خرداد ۹۷) نشان داد زنان ساکن مناطق بالای شهر تهران نرخ سقط عمدی بالاتری دارند. وقوع سقط عمدی بین زنان شاغل در ایران ۵۶ درصد بیشتر از زنان غیرشاغل است.
- فراوانی فرزندآوری در مناطق محروم به طور محسوسی بیش از مناطق مرفه شهری است که نشان می‌دهد فرهنگ‌های دست‌نخورده با وجود درآمد سرانه پایین‌تر میل بیشتری به بچه‌دار شدن دارند. نسبت دادن این تفاوت به اموری چون ناآگاهی و فقر فرهنگی، غیرعلمی و غیرقابل استناد است.
- همه این قرائن و شواهد بسیار دیگر به ما می‌گوید ماجرا با تسهیلات و مشوق‌های معیشتی پایان نمی‌یابد و تا وقتی نگرش جامعه نسبت به فرزندآوری تغییر نکند، تغییر رفتار ممکن نیست.

توجه به این نکات و مطالبه مؤکد حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بر فرهنگ‌سازی در موضوع جمعیت، بار مسئولیت مراکز فرهنگ‌سازی چون صداوسیما و قرارگاه‌های فرهنگی را سنگین‌تر می‌کند. فرهنگ ایرانی با خانواده‌گرایی و فرزنددوستی سازگار است و کار فرهنگی در این زمینه را پس نمی‌زند. موفقیت در نجات آینده جمعیتی ایران آن روزی رقم می‌خورد که افکار عمومی داوطلبانه به سیاست‌های جمعیتی اقبال نشان دهد و کار فرهنگی تمیز در کنار حمایت دولت، می‌تواند این همراهی را رقم بزند.

#### □ مسئله جمعیت از منظر اقتصادی

در دنیا نظریه‌های بسیاری از دانشمندان مطرح و حتی افراد دارای نوبل وجود دارد که معتقدند افزایش جمعیت تاثیر مثبتی بر روی اقتصاد یک کشور دارد. یکی از اولویت‌های کشور ما نیز بحث جمعیت است و برای رسیدن به آن ابتدا باید ادبیات علمی موردنیاز برای رفع ابهام جامعه را تولید و سپس با اصلاح نظام بانکداری، مردم را در شرایط مناسب برای فرزندآوری قرار دهیم.

مسعود عالمی نیسی، رئیس سابق موسسه تحقیقات جمعیت کشور و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، اظهار میدارند که نظریه‌های حوزه کنترل جمعیت در دنیا را ذکر کرده و آن‌ها را نقد می‌کند. او می‌گوید: «یک باور نانوشته‌ای در بین مردم و حتی در بین متخصصان مرتبط به علوم انسانی وجود دارد که افزایش جمعیت موجب فقر می‌شود. چه فقر در سطح کلان کشور و چه در سطح خانواده. این یک ذهنیت و تفکر است. حالا می‌خواهیم هم از حیث نظری و هم در واقعیت کشورها ببینیم این باور چقدر صحت دارد؟ در بحث‌های نظری یک نگاه منفی داریم می‌گوید جمعیت موجب فقر می‌شود و پایه این نگاه، نظریه مالتوس است. مالتوس اقتصاددانی بوده که در فاصله ۱۷۶۶ تا ۱۸۳۴ زندگی می‌کرد و کتابی با عنوان «رساله‌ای در باب جمعیت» نوشت که در سال ۱۷۹۸ منتشر شده است. مغز نظریه مالتوس این است که اقتصاد مانند نانی است که با افزایش جمعیت سهم هرکس کم می‌شود. چند نقد نسبت به نظریه مالتوس وجود دارد. سوالی که در مقابل نظریه مالتوس مطرح می‌شود این است که آیا انسان فقط مصرف‌کننده است؟ اگر به واقعیت انسان نگاه کنیم و او را از تولد تا ۱۸ سالگی کاملاً مصرف‌کننده بدانیم، بعد از ۱۸ سالگی تا ۶۰ سالگی انسان می‌تواند تولیدکننده و مولد باشد. این تولید عموماً بیش از نیاز شخصی‌اش است. مانند سرپرست خانوار که نیاز چند نفر را غیر از خودش تأمین می‌کند؛ بنابراین حداقل از نظر زمانی، هر فرد دوبرابر مصرف‌کنندگی‌اش تولیدکننده است. این مسئله به این معنی است که اساساً جمعیت بیشتر تولید بیشتر است. جمعیت بیشتر از آنکه معنای مصرف‌کننده داشته باشد، معنای تولیدکننده می‌دهد. این نگاه را قبلاً نیز در بین روستایی‌ها وجود داشت که به فرزند به عنوان نیروی کار نگاه می‌شد و احساس ثروتمند شدن می‌کردند.»

ایشان به نقد دیگری نسبت به نظریه‌های کنترل جمعیتی می‌پردازد. کینگزلی دیویس جامعه‌شناسی که معتقد است: «این واقعیت که شمار جمعیت رو به افزایش است، نشان می‌دهد که وسائل امرار معاش نیز در حال زیاد شدن است. در غیر اینصورت مرگ و میر افزایش می‌یافت و جمعیت هرگز به سطح کنونی خود نمی‌رسید. فکر و اندیشه درباره اینکه جمعیت جهان جلوتر از عرضه غذا گام برمی‌دارد، مانند آن است که تصور شود پاهای عقب اسب جلوتر از پاهای پیشین او گام برمی‌دارد.» معنی این حرف این است که وقتی جمعیت زیاد شده یعنی غذا به اندازه کافی برایشان وجود دارد و جمعیت به مثابه پاهای جلوی اسب است که باقی مسائل مانند امرار معاش به همراه او جلو می‌آید و رشد می‌کند.

نقد سوم عالمی به نظریه کنترل جمعیتی مالتوس این است: «با افزایش جمعیت در طول زمان، محدودیت‌های بسیاری برداشته شده است. به طور مثال تکنولوژی رشد کرده و حالا انسان در یک هکتار زمین با کشاورزی سنتی سه تن گندم تولید می‌کرد و حالا ۱۱ تن؛ بنابراین نظریه مالتوس که در ابتدا بیان شد، به طور کامل نقد و رد شد. در هر پروژه اقتصادی عملاً ۴ فاکتور وجود دارد. سرمایه، منابع طبیعی، نیروی کار و خلاقیت است. درواقع نیروی کار با بکارگیری سه عامل دیگر موجب ارزش افزوده در یک عمل اقتصادی می‌شود. مالتوس در نظریه خودش مطرح می‌کند که به طور مثال در یک زمین کشاورزی، یک نفر گارکر وجود دارد و اگر دونفر شود کار سریع‌تر جلو می‌رود و اگر همینطور کارگران بیشتر شود، از جایی به بعد از نظر حقوق کارگران دیگر برای تولید کننده صرف نمی‌کند و اینجا بازدهی نزولی اتفاق می‌افتد. مالتوس این موضوع را به اقتصاد کلان یک کشور تعمیم می‌دهد. در کشورها جمعیت که معادل نیروی کار است، اگر از یک حدی بیشتر شود، اقتصاد دیگر کاهش ندارد و ارزش افزوده کاهشی می‌شود. نکته بسیار مهم در نقد این نظریه این است که نظریات مالتوس برپایه جامعه و اقتصاد قرن ۱۸ است و در آن زمان، سرمایه و منابع طبیعی نقش اصلی در تولید داشت، اما چیزی که در فرض مالتوس مورد غفلت واقع شده این است که در فرضیه او تمام عوامل دیگر جز نیروی کار ثابت است. این فرض برای کره زمین یا کشور صحت دارد؟ اگر جمعیت یک کشور دوبرابر شود، سرمایه، منابع طبیعی و عوامل دیگر تغییر نمی‌کنند؟ جوامع بشری هرچند وقت یکبار منبع جدیدی کشف می‌کنند. از نفت و گاز گرفته تا انرژی خورشیدی، هسته‌ای، بادی و موارد دیگر و نمی‌توان گفت بعدها نیز منبع جدیدی پیدا نخواهد شد. نکته بعدی این است که تکنولوژی در طول سال‌های اخیر کمک کرده تا از همین منابع موجود فعلی بیشتر بهره‌برداری کنیم.

## □ رشد فناوری همراه با رشد جمعیت

موضوع فناوری، بعد دیگری از نقد کنترل جمعیت است. به طور خلاصه می‌توان گفت هرچه جمعیت افزایش پیدا می‌کند، علم و فناوری نیز بیشتر رشد می‌کند. «افزایش جمعیت موجب تقسیم کار و تخصصی شدن می‌شود. تخصصی شدن موجب پیشرفت تکنولوژی می‌شود. مثلاً خودرو از قطعات بسیاری تشکیل شده و هر قطعه در یک شرکت خاصی تولید می‌شود و بدون وجود یک جمعیت متخصص نمی‌توان خودرو ساخت. پس برخلاف نظریه‌هایی که در مورد تأثیرات بد جمعیت بر روی اقتصاد یک کشور وجود دارد، ثابت شد که جمعیت بر روی سرمایه، فناوری و منابع تأثیر مثبت کیفی و کمی دارد. طبق آمار ۲۰۰۶ مقالات و کتاب‌های علمی در آمریکا ۲۷۲ هزار عنوان بوده و در ایران ۱۱ هزار عنوان. هیأت علمی به عنوان افرادی که عمده این مقالات و کتاب‌های علمی را تولید می‌کنند، در ایران ۱۲۶ هزار و در آمریکا یک میلیون و دویست و شصت و هشت هزار نفر هستند. یعنی آمریکا ده برابر ایران هیأت علمی دارد و مقالاتی که در آنجا تولید می‌شود هم ۲۷ برابر ایران است. آیا اگر هیأت علمی ایران ۲۴ ساعته و با در نظر گرفتن تمام شرایطی که در اختیار آمریکایی‌ها است، کار کنند می‌توانند به میزان امریکا مقاله و کتاب تولید کنند؟ خیر نمی‌توانند. پس یک سطحی وجود دارد و جمعیت از یک سطحی به بعد دیگر نمی‌تواند پیشرفت کند مگر اینکه جمعیت رشد کرده و به میزان آن نیز هیأت علمی‌ها افزایش پیدا کنند؛ بنابراین جمعیت شرط لازم پیشرفت است. نهاد علم نفر می‌خواهد.»

«در فضای رشد اقتصادی با قاعده‌گذاری‌هایی مواجه می‌شویم که همه چیز مانند نرخ بهره پولی، نرخ بازدهی سرمایه و نرخ بهره واقعی تماماً باید با نرخ رشد جمعیت و رشد جمعیت هماهنگ باشد. جمعیت در مدل‌هایی مختلف یک متغیر برون‌زا است و برون‌زا بودن یعنی جمعیت را نباید کنترل کرد.»

سیاست‌مداران در طول سال‌ها برای جمعیت و آینده ایران تصمیم گرفتند و حالا که تغییر مسیر داده‌ایم هم برخی از آن‌ها همراه نیستند. یکی از مشکلاتی که در دهه ۶۰ و ۷۰ اتفاق افتاد این بود که کار از دست اقتصاددانان و جامعه‌شناسان گرفتیم و به پزشکان سپردیم و پزشک‌ها برای ما سیاست‌گذاری جمعیتی کردند و گفتند اگر تعداد فرزندان یک مادر کمتر باشد، این مادر سالم‌تر است. اینکه آیا یک پزشک به خودش اجازه دهد چیزی که در مورد یک فرد است و مشخص نیست صحیح است یا نه را تسری دهد به کل جامعه. آنچیزی که در علم اقتصاد راجع به جمعیت بیان می‌شود به صورت موجز، تلگرافی و رمزآلود است. فقط می‌گوید جمعیت برون‌زا است و هیچ توضیح دیگری نمی‌دهد. اگر برای انتقال به دانشجو به همین اکتفا کنیم، این موضوع که جمعیت زیاد مطلوب است یا نه را نمی‌فهمد و برای نتیجه‌گیری به نگاه گذشته برمی‌گردد.



## □ جمعیت برون‌زا است

این موضوع که جمعیت برون‌زا است یعنی چه؟ مجahدی در جواب می‌گوید: «یعنی همه چیز باید خودش را با جمعیت تطابق دهد نه اینکه جمعیت خودش را با منابع تطبیق دهد. به طور مثال اگر می‌خواهیم برویم شمال و اگر هوا برفی و آخر هفته است، نمی‌توانیم بگوییم جاده خلوت و هوا آفتابی شود تا به شما برسیم، این موارد متغیر وضعیت است که ما باید خودمان را با آن تطبیق دهیم. جمعیت هم متغیر وضعیت است و نباید آن را کنترل کرد بلکه همه‌چیز باید با آن تطبیق پیدا کند. مشکلات بیکاری، محیط زیست، ترافیک و... وجود دارد، اما مسئله اصلی این است که آیا دلیل بیکاری جمعیت است؟ آیا دلیل آلودگی و ترافیک عامل جمعیت است؟ به نظر نمی‌آید اینطور باشد. اگر در جامعه‌ای بیماری مسری وجود داشته باشد، بیماری هم گسترش پیدا می‌کند، اما دلیل بیماری مسری جمعیت نیست و راه‌حل آن هم کاهش جمعیت نیست بلکه درمان بیماری است.»

موضوع بعدی، نقش زنان در افزایش جمعیت است: «مهم‌ترین نکته در بحث جمعیت این است که محوریت خانم‌ها هستند. چه به لحاظ کمیت و کیفیت خانم‌ها هستند که محور حرکت‌های جمعیتی هستند. چه چیزی بالاتر و باارزش‌تر از این موضوع؟ نوزادی را تصور کنید که برخی می‌گویند وجود نداشته باشد بخاطر اینکه مادرش می‌خواهد در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته باشد و می‌خواهد در کارخانه یا اداره‌ای کار کند. برای استقلال و درآمد خود می‌خواهد کار کند و به همین دلیل تعداد فرزندانش کمتر می‌کند. در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مثلاً اگر تعداد مرغ‌ها در مرغداری زیاد باشد اثر مثبت اقتصادی است، اما اگر تعداد بچه‌های انسان زیاد شود می‌گویند مضموم است. در این محوریت بودن خانم‌ها بر سران‌ها کلاه رفته است و بجای اینکه حلقه زنجیره‌ای شوند و نسل قبلی را به نسل بعدی متصل کنند، می‌خواهند کار کنند. ما با کار کردن مخالفتی نداریم، اما باید ببینیم چه چیزی را از دست می‌دهیم و به جای آن چه چیزی به دست می‌آوریم.»

در مورد جمعیت نباید به سمت تشویق برای زیاد کردن آن رفت و نه به سمت محدود کردن آن. باید جمعیت را رها کرد، جامعه خودش می‌داند چه کند و ما باید متغیرها و شرایط دیگر را مهیا کرد.

## □ رشد جمعیت یعنی رشد نخبگان

همراه شدن دانشگاهیان می‌تواند باعث افزایش جمعیت شود. «تا نخبگان در بحث افزایش جمعیت قانع نشوند، جامعه قانع نمی‌شود».

دکتر مرندي در مصاحبه‌ای که پیرامون خاطرات خودش از تنظیم خانواده در ایران از سال ۷۲ به بعد یک نکته را دو بار مطرح می‌کند و می‌گوید: «اگر دانشگاهیان همراه نمی‌شدند، ما نمی‌توانستیم تنظیم خانواده را در کشور اجرا کنیم.»

ما در همین جامعه دانشگاهیان، ادبیات پشتیبانی کننده افزایش جمعیت را در حال حاضر نداریم. چرا ادبیات علمی مهم است؟ زیرا این ادبیات منبع تغذیه رسانه و تلویزیون است. ما با این معضل مواجه هستیم که کارشناسان مختلف صحبت می‌کنند، اما دست‌شان خالی است و به مردم توصیه می‌کنند که فرزند بیاورید، اما مردم و کارشناسان با ابهام و سوالات زیادی مواجه هستند که کسی به آن پاسخ نمی‌دهد؛ پس مشخص است که جامعه هنوز قانع نشده است. ما هنوز با جامعه باب گفتگو را باز نکرده‌ایم.

گری بکر، اقتصاددان آمریکایی می‌گوید: «افزایش جمعیت درجه تخصصی‌سازی را افزایش می‌دهد و این موجب پیشرفت سریع‌تر می‌شود و احتمال افزایش افراد نخبه را افزایش می‌دهد.»

دانشمندان معتقد هستند اقتصاد دانش‌بنیان با جمعیت بیشتر پیشرفت می‌کند. ما نود هزار شرکت دانش‌بنیان داریم که نسل دهه ۶۰ و ۷۰ در حال اداره آن هستند. در حالی که از دهه ۶۰ و ۷۰ با عنوان انفجار جمعیتی یاد می‌کنیم.»

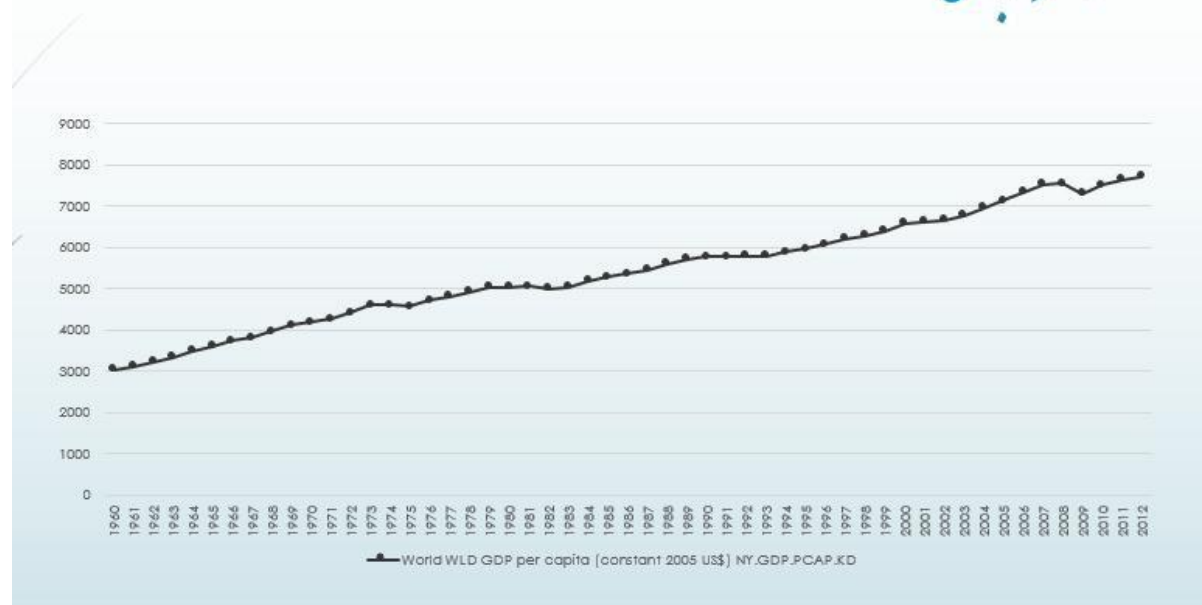
در بین نظریه‌هایی که جمعیت را در رشد اقتصادی موثر می‌دانند، جولیان سایمون دانشمندی است که معتقد است رشد سریع جمعیت موجب توسعه و رشد اقتصادی است و استدلال می‌کند که رشد جمعیت موجب رشد فناوری شده و این موضوع قیمت منابع طبیعی را کاهش می‌دهد به همین دلیل منبع اصلی جمعیت است.

گری بکر هم اقتصاددانی است که می‌گوید در کشورهای پرجمعیت آنچه جلوی رشد اقتصادشان را گرفت، جمعیت نبود بلکه سیاست‌های اشتباه اقتصادی بود. این مسئله در چین هم اتفاق افتاد. دانشمندان دیگری نیز در این زمینه نظریه داده و ثابت کرده‌اند که دلیل رشد اقتصادی رشد جمعیت است، زیرا در تعداد نفرات بیشتر گردش و استفاده اطلاعات بیشتر اتفاق می‌افتد. وقتی سه نفر شد ۴ نفر، کیفیت دانش بالاتر می‌رود و انباشت دانش بیشتری در تعداد جمعیت بیشتر اتفاق می‌افتد.

## □ نگاه خنثی به موضوع جمعیت و اقتصاد

در بین نظریه‌ها نگاهی وجود دارد که جمعیت را موثر بر روی اقتصاد نمی‌داند، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در اینباره می‌گوید: «نگاه دیگری هم وجود دارد که می‌گوید جمعیت اثری بر روی اقتصاد ندارد. آکادمی ملی علوم آمریکا در سال ۱۹۸۶ گزارشی را منتشر کرده و گفته‌اند جمعیت نه اثر منفی و نه اثر مثبت بر اقتصاد نمی‌گذارد. بانک جهانی هم همین نگاه خنثی را دارد و نتیجه پژوهش‌هایشان این می‌شود که دیگر به کشورها توصیه‌ای راجع به جمعیت نمی‌کنند. ما به دو صورت می‌توانیم به موضوع نگاه کنیم، یکی اینکه شاخص‌های اقتصادی با افزایش جمعیت در طول زمان چه تغییری می‌کنند و دیگری اینکه در بین کشورها در یک زمان ثابت چه اتفاقی می‌افتد. در مورد سرانه جهانی با افزایش جمعیت حتی با حذف تورم و دلار ثابت، درآمد هر فرد در جهان به طور متوسط افزایش پیدا کرده است. درون هر کشور مانند کشورهای آلمان، ژاپن و آمریکا و... با افزایش جمعیت درآمد سرانه افزایش یافته در مورد کشورهای توسعه نیافته نیز مانند آمریکای جنوبی یا بنگلادش نیز همین‌طور است. در واقع هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که با افزایش جمعیت درآمد سرانه‌اش افزایش نیافته باشد، حتی ثابت هم نیست و همیشه افزایشی است. در کشور ما به غیر از دوره جنگ با افزایش جمعیت از سال ۱۹۶۵ درآمد سرانه ما دوبرابر شده است.»

## درآمد سرانه جهانی



## □ بیماری اقتصاد پولی

سرپرست پژوهشکده امور اقتصادی و دارایی بیان میکند: «مشکل از جایی شروع شد که ما اقتصاد را از اقتصاد تولید محور تبدیل کردیم به اقتصاد پول محور. پول در اقتصاد هم نقش فرعی دارد. اگر برای هرکاری مانند اشتغال‌زایی وام بدهیم یعنی اصالت را به پول داده‌ایم نه بخش تولید و انسان. وقتی این اتفاق افتاد، بجای اینکه هرچیزی خودش را با جمعیت تطبیق دهد، همه چیز باید خودش را با نرخ بهره پولی تطبیق دهد. این آغاز ماجراست و همین باعث بیکاری می‌شود، زیرا بیکاری پدیده‌ای پولی و دلیل آن در بانکداری و نظام بانکی ما است. مسئله بیکاری در وزارت کار حل نمی‌شود بلکه در بانک مرکزی باید حل شود. سیاست‌های پولی تورم ایجاد کرده‌اند. از سال ۱۳۵۲ جمعیت دوبرابر شده و تولید حقیقی هم دوبرابر شده است، اما پول نزدیک به ۱۳ هزار برابر شده است. همین آمار در آمریکا برابر با تولید است یعنی اگر تولید دوبرابر شود، پول هم دوبرابر می‌شود نه بیشتر. اقتصاد پولی تورم، توزیع نابرابر ثروت، ناترازی و مشکلاتی مانند این ایجاد می‌کند. حالا با این سیاست‌های پولی، خانواده دوست دارد بچه بیاورد، اما نمی‌تواند، زیرا اصالت در جامعه به سفته‌بازی و پول داده شده و نه سرمایه‌گذاری.»

بانک‌ها وقتی زیاد می‌شوند باعث می‌شود که به یکباره تصمیم بگیرند یک راسته خیابان را بخرند و با یک کلیک پول خلق کنند. بجای تولید با سفته‌بازی خلق پول می‌کنیم و بهره و سود وارد کار می‌شود و این همان ربا است و این باعث می‌شود که انسان امروزی مصرف‌گرا شود و فرزندآوری نکند. این مصرف پرشتاب در عصر امروز باعث تخریب محیط زیست می‌شود. جمعیت متهم به تخریب محیط زیست می‌شود، اما علت آن مصرف‌گرایی است و این بهره روی پول است که باعث این موارد می‌شود. مصرف‌زدگی باعث این می‌شود که افراد بجای فرزندآوری کار را ترجیح بدهند که با آن وسایل جدید بخرند یا تفریح را ترجیح بدهند. اگر می‌خواهیم جمعیت رشد کند، باید نظام بانکداری را اصلاح کنیم. نرخ بهره اسمی روی پول باید کم کم صفر شود و بعد همه چیز درست می‌شود

بررسی نظریه‌های علمی و اقتصادی در مورد جمعیت این است که در تمام کشورهای دنیا، رشد جمعیت بر رشد اقتصادی تاثیر داشته، بنابراین مسئله رشد جمعیت در ایران از لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت است. از طرف دیگر برای اینکه رشد جمعیت اتفاق بیفتد نیازمند گشایش اقتصادی برای مردم هستیم که این موضوع جز با اصلاح نظام بانکداری اتفاق نمی‌افتد.

## □ تاثیر افزایش جمعیت بر اقتصاد

مهم‌ترین عاملی که در اواخر دهه شصت و اوائل دهه هفتاد توانست حاکمیت، نخبگان و مردم را به قاطعیت در لزوم کاهش جمعیت برساند، باور وجود ارتباط منفی بین رشد جمعیت و رشد اقتصادی بود.

برساخت «فرزند کمتر، زندگی بهتر» از همین باور، رواج پیدا کرد که صدالبته یکپارچه شدن تمام امکانات کشور در جهت اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت نقش تعیین‌کننده در این امر داشت؛ این وضعیت منجر به کاهش بی‌سابقه رشد جمعیت ایرانیان طی دو دهه از ۳/۲ درصد به زیر ۱ درصد شد.

از دو دهه پیش برخی نخبگان کشور ابراز نگرانی نسبت به این سیر کاهشی شدید را شروع کردند و به‌مرور زمان بر تعدادشان افزوده شد. آنان معتقد بودند این شیب نزولی چشم‌انداز جمعیتی نگران‌کننده‌ای را برای کشور رقم خواهد زد.

رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به آینده جمعیتی کشور ابراز نگرانی و بر تغییر سیاست‌های جمعیتی تأکید کردند. تأکیدات ایشان و فعال شدن بخشی از بدنه نخبه دغدغه‌مند در این جهت منجر به تغییر برخی سیاست‌های بالادستی نسبت به جمعیت شد که نقطه اوج آن را می‌توان ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده در سال‌های ۹۳ و ۹۵ توسط رهبر معظم انقلاب دانست.

در عرصه قانونگذاری نیز اتفاقات حلزون‌واری افتاد که هرچند تناسبش با سرعت کاهش رشد جمعیت قابل مقایسه نبود، اما به‌ویژه در مجلس شورای اسلامی جدید تصویب قانون طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، امید جبران فرصت‌های از دست‌رفته را زنده کرد.

اما امروز هم به‌نظر می‌رسد بزرگ‌ترین مانع بر سر راه تبلیغ و ترویج فرزندآوری، رسوخ همان باور در سبک زندگی و نوع نگاه افراد جامعه و حتی اکثریت مسئولان است که معتقدند کیفیت زندگی با افزایش جمعیت در تضاد است و وضعیت فعلی اقتصادی کشور را در تضاد با ترویج فرزندآوری می‌بینند؛ دوگانگی جمعیت - اقتصاد!

البته اگر به این مسئله به‌چشم یک مانع مهم پیش راه موفقیت ترویج فرزندآوری و افزایش جمعیت کشور نگاه کنیم، اهمیت پرداختن به آن دوچندان می‌شود.

دوگانه جمعیت - اقتصاد را به دو طریق ثبوتی و اثباتی باید شرح داد و تبیین کرد که آیا اساساً چنین دوگانه‌ای صحیح است یا نه، یعنی هم از جهت بررسی نگاه نظریه‌پردازان اقتصادی دنیا و هم از جهت بررسی معناداری ارتباط این دو در عالم واقع و میان کشورهای پیشرفته اقتصادی، سپس به این سؤال بپردازیم که؛ چرا در کشورهای موسوم به نام جعلی جهان سوم، جمعیت بالا مساوی با فقر و بدبختی شده است؟

## □ اقتصاددانان چه می‌گویند؟

مخالفان افزایش جمعیت که طیف وسیعی را هم تشکیل می‌دهند، بعضاً سعی می‌کنند دغدغه افزایش جمعیت را فاقد ادله و استدلال‌ات علمی و صرفاً یک امر ایدئولوژی‌محور و منحصر در توصیه‌های دینی و اندیشه‌های سنتی و انتزاعی و در تضاد با رویکردهای جهان مدرن نشان دهند و نگرانی از سالمندی کشور در دهه‌های آینده را بی‌اساس جلوه دهند، در حالی که حتی نظریه‌های علم اقتصاد مدرن هم مؤید این دغدغه‌ها هستند.

مروری کوتاه و اجمالی بر نگاه اقتصاددانان برتر دنیا در ۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد مکتب مالتوسی که رشد جمعیت را عامل افت رشد اقتصادی و جمعیت بالاتر را به‌معنی درآمد سرانه پایین‌تر می‌داند، میان آنان جایی ندارد.

پل ساموئلسون، برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ میلادی از کسانی است که اثبات نموده بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد «نرخ باروری انسانی» است.

روی هارود، اقتصاددان انگلیسی که تا مدت‌ها کتاب «اقتصاد بین‌الملل» او در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد نیز در تز معروفش موسوم به نظریهٔ «هارود» رشد جمعیت را عامل رشد طبیعی اقتصاد عنوان می‌کند.

بر اساس قاعدهٔ طلایی رشد، منسوب به فلپس، کارایی نهایی سرمایه با نرخ رشد جمعیت برابر است، به عبارت دیگر، رشد اقتصادی تابع مستقیم نرخ رشد جمعیت است. این نظریه را اقتصاددانان دیگری مانند موريس اله (۱۹۶۱)، سوان (۱۹۵۶) و مید (۱۹۶۱) و (۱۹۶۳) نیز تأیید کرده‌اند.

سیمون کوزنتس - اقتصاددان آمریکایی و برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۱ - با بررسی آهنگ رشد درآمد سرانه و آهنگ رشد جمعیت در کشورهای مختلف، به این نتیجه رسیده است که همبستگی معنی‌داری بین این دو وجود ندارد، در سطح خانوار و تصمیم برای باروری نیز نتایج مطالعات و تحلیل‌ها مؤید همین دیدگاه است.

طبق نظر کنت آرو - اقتصاددان آمریکایی - جمعیت یک متغیر وضعیتی است و نه یک متغیر کنترلی. در این نظریه، جمعیت شکلی از سرمایه است و بنابراین باید آن را به صورت یک متغیر وضعیتی در مدل برنامه‌ریزی وارد کرد، بر این اساس، با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود، به این ترتیب، برنامه‌ریز اقتصادی باید اقتصاد را متناسب با جمعیت تنظیم کند (و نه عکس آن). هنگامی که ارزش زندگی از دیدگاه اقتصادی مثبت است، افزایش جمعیت به توسعهٔ پایدار کمک خواهد کرد.

در مقابل اقتصاددانانی تحت تأثیر مکتب مالتوسی (منتسب به مالتوس اقتصاددان شهیر انگلیسی) معتقد به در خطر افتادن منابع طبیعی با بالا رفتن جمعیت به دلیل محدودیت منابع طبیعی، تهدید وضع زندگی اقشار فقیر و توقف پیشرفت با مرگومیر ناشی از گرسنگی هستند. اگرچه نظریات جمعیتی مالتوس بین صاحب نظران علم اقتصاد ابطال شد، اما تئریهای نئومالتوسی به اشکال گوناگون در دهه های اخیر پدیدار شده و طرفداران سرسختی پیدا کرده است. طیف وسیعی که ابتدا با بخشی از نهضت های مدافع محیط زیست، در ایالات متحده آمریکا، در دهه ۱۹۶۰ آغاز می شود و دربرگیرنده طرفداران توقف رشد اقتصادی (کلوب رم) و حامیان نرخ رشد جمعیتی صفر در محافل دانشگاهی و بین المللی (سازمان ملل) است، همگی متأثر از نظریه مالتوسی اند.

#### □ علم اقتصاد امروز برای این دیدگاه پاسخ های قابل تأملی دارد:

مالتوس از منابع طبیعی، تصویری مقداری و غیرپویا داشت که به صورت یک عامل مستقل بیرونی بر زندگی اقتصادی انسان ها تأثیر می گذارند. این تصور یادآور اندیشه قدما درباره ثروت است. در اندیشه اقتصادی مدرن، منابع طبیعی در درازمدت بخشی از مجموعه متغیرهای تشکیل دهنده نظام اقتصادی محسوب می شوند و محاسبه مقادیر آنها خارج از این نظام اقتصادی و سطح تکنولوژیکی آن، معنی ندارد، ازاین رو پیش بینی های درازمدت درخصوص منابع طبیعی اقتصادی، به علت عدم امکان پیش بینی تحولات علمی و فنی و سطح پیشرفت نظام اقتصادی، فاقد پایه علمی درستی خواهد بود، بنابراین قضیه کمبود منابع طبیعی از دیدگاه علمی فاقد مبنای قابل دفاع است. رشد جمعیت در هر جامعه ای تابعی از مجموعه عوامل موجود در نظام اقتصادی، اجتماعی و نیز فرهنگی است و به خلاف رویکرد مالتوسی تنها بستگی به میزان تولید مواد غذایی و ارزش اقتصادی آن ندارد.

طبق نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، در تحلیل تصمیم گیری خانوار برای باروری، فرزندان به عنوان اقلام نرمالی در مدل وارد می شوند که با گسترش درآمد و قدرت خرید خانوار، تعداد بیشتری فرزند مورد تقاضا خواهد بود، این نظریه طرفداران زیادی داشت، اما در قرن بیستم واقعیت ها خلاف این نظریه را اثبات کرد، این که با افزایش رشد اقتصادی اتفاقاً میل به فرزندآوری کاهش می یابد.

آنچه اکنون در مدل های رشد به عنوان موتور رشد اقتصادی مطرح می گردد، تنها سرمایه فیزیکی نیست، حتی به طور تلویحی مسائلی همچون سرمایه انسانی و متوسط دانش انسانی در جامعه نیز در حال کنار گذاشته شدن است. اقتصاددانان اکنون مستقیماً به سراغ اصل موضوع، یعنی خود انسان و کمیت جمعیت رفته اند، ازاین رو مدل هایی که اکنون در رشد اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرند، نرخ باروری را موتور و محرک رشد اقتصادی در نظر می گیرند.

جدیدترین تحقیقات از تأثیر تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی دانش‌محور تأکید دارد، آنچه در زمینه‌های نامبرده مشترک است، نقش انسان و کیفیت آن بر رشد اقتصادی است، هدف همه این‌ها نیز تولید فناوری نوین برای تولید کالای جدیدتر یا بهبود روش‌های قدیمی- است.

در گذشته مزیت نسبی، تابعی از منابع طبیعی خداداد و نسبت‌های عوامل تولید (ضریب سرمایه به کار) بود، اما اکنون دانستن این نکته جالب است که باور رایج در جهان اقتصاد این است که در دهه‌های آینده، اقتصاد جهان بر پایه صنایعی خواهد بود که متکی بر نیروی فکری هستند و استقرار این صنایع در هرکجا، بستگی به این دارد که چه‌کسی بتواند نیروی فکری لازم برای استقرار آن‌ها را سازمان دهد.

در قرنی که پیش‌روی ما است، مزیت نسبی را انسان می‌آفریند. پس با نگرشی درست به انسان، او یک نیروی خلاق و تولیدکننده است. از آن‌جا که مزیت نسبی همراه با دانش فنی توسط انسان پدید می‌آید، تحقیقات - علاوه بر تأثیر مهارت و آموزش او در رشد اقتصادی - رویکردی نوین نیز یافته است که بررسی و تأکید بر نقش، اندازه و رشد جمعیت بر رشد اقتصادی، از آن جمله است، از این‌روست که نظریه‌ای نو در پژوهش‌ها شکل گرفته است.

برد در جهان آینده با کشورهایایی است که به‌اندازه کافی نیروی انسانی آموزش‌دیده و صاحب‌فکر داشته باشند، مقام معظم رهبری نیز در جایی به همین نکته دقیق اشاره داشته و فرموده‌اند: «خداوند متعال از مسلمانان خواسته که زیاد بشوند وقتی که عده زیاد شود، افراد صالح در آن قهرماً بیشتر است؛ توانایی‌ها قهرماً بیشتر است؛ نیروی انسانی قهرماً راقی‌تر است...».

امروز کشورهای مثل چین، هند، برزیل و بنگلادش ثابت کرده‌اند چگونه افزایش جمعیت می‌تواند در خدمت رشد اقتصادی قرار گیرد، به‌عنوان مثال بنگلادش به‌عنوان هشتمین کشور پرجمعیت دنیا، رشد اقتصادی ۷ درصدی خود را مدیون به‌کار گرفتن نیروی انسانی بالای خود در خدمت صنایعی مثل پوشاک است که این کشور را به دومین تولیدکننده پوشاک جهان تبدیل کرده است یا کشور برزیل با بیش از ۲۰۰ میلیون جمعیت توانست خود را به هشتمین اقتصاد بزرگ دنیا تبدیل کند و ۶۰ درصد جمعیت خود را از طبقه فقیر به طبقه متوسط ارتقا دهد، این اتفاق با جهت‌دهی نیروی کار به‌سمت صنایع بزرگ، جلوگیری از خام‌فروشی، منع واردات و حمایت از تولید داخلی افتاد و تهدید میلیون‌ها نفر گرسنه را به فرصت میلیون‌ها نیروی آماده کار تبدیل کرد. با برنامه‌ریزی صحیح، جمعیت بالا سرمایه‌ای است در خدمت رشد اقتصادی.

با وجود پاسخ‌هایی که از علم اقتصاد و واقعیت‌های دنیای امروز برای دوگانه جمعیت - اقتصاد گفتیم، هنوز برای این سؤال پاسخی ندادیم که؛ چرا در کشور ما و بسیاری کشورهای در حال توسعه، رشد جمعیت با بحران‌های اقتصادی، مشکلات معیشتی و سرخوردگی‌های اجتماعی همراه است؟ و مگر نه این است که ناکارآمدی اقتصاد و



مشکلات اجتماعی اگر با افزایش جمعیت همراه شود، عملاً فقط به توسعه گستره مشکلات منجر خواهد شد؟

پاسخ این سؤال را باید در این بجویم که؛ آیا جمعیت بالا عامل این وضع و حتی تشدیدکننده آن است؟

اگر در جامعه‌ای تفکر حاکم بر اقتصاد، مولد بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی باشد، همیشه بخشی از جامعه در حال افزایش سود و درآمد و بخش دیگر (اکثریت)، مبتلا به کاهش درآمد سرانه واقعی هستند. کاهش قدرت خرید آن عده سبب کاهش تقاضای موجود در بازار می‌شود. در مواجهه با کاهش اندازه بازار، تولید نیز کاهش می‌یابد و اقتصاد، وارد مسیری ناپایدار می‌گردد.

لذا بی‌نظمی‌ها جایگزین طرح‌ها و برنامه‌های از قبل پیش‌بینی‌شده می‌گردد، قیمت‌ها بالا می‌روند و تورم، جدالی دائم را با زندگی مردم آغاز می‌کند، تولید کمتر از ظرفیت، تحریم، اخراج موقت، بسته‌شدن شرکت‌ها، کم‌خرجی، بیماری‌های صنعتی و ... رخ می‌دهند. در چنین شرایطی کارفرمایان به تعدیل نیرو و کاهش نیروی کار رو می‌آورند، آن وقت است که مشکلات اقتصادی مولد مشکلات اجتماعی خواهد شد، بیکاری، فقر، بزه، معضلات اجتماعی. در این جامعه به‌نظر می‌رسد جمعیت و نیروی انسانی تبدیل به تهدید و مشکل شده است، گویی جمعیت بالا مولد این مشکلات است، در این‌جاست که مدیران و سیاست‌گذاران، همه کم‌کاری‌ها و سوء مدیریتشان را به رشد سریع جمعیت به‌عنوان مهم‌ترین مشکل نسبت می‌دهند.

واقعیت این است که وقتی اقتصاد یک کشور بیمار است و گرفتار معضلات اجتماعی مثل بیکاری، بزه‌کاری و طلاق و اعتیاد شده است، افزایش جمعیت اگرچه عامل مشکلات نیست، اما تشدیدکننده مشکلات هست، در مقابل در همین جامعه، کاهش جمعیت عامل مشکلاتی، چون کاهش نیروی خلاق و ماهر و صاحب‌اندیشه، عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی، بحران پیری جمعیت با بحران‌های مختص خود و نیز مشکلات امنیتی خواهد بود. این مشکلات، قطعاً آن جامعه درگیر مشکلات اقتصادی را زمین خواهد زد.

عقلاً در چنین کشوری باید به‌دنبال تغییر اندیشه حاکم بر اقتصاد بود یا با تجویز کاهش جمعیت، بار دیگری بر گرده آیندگان این جامعه افزود؟

پس سؤال معروفی که نقطه آغاز نهضت‌های مخرب کاهش جمعیت در بسیاری از کشورها شده است، جواب خیلی واضحی دارد؛ عقب‌ماندگی هیچ کشور عقب‌مانده‌ای با کاهش جمعیت جبران نشده و نخواهد شد. استعمار، تضعیف حکومت‌ها با اختلافات یا جنگ‌های داخلی، تحریم، فشار، تحمیل افکار مدیریت اقتصادی معیوب بر کشورها، نفوذ و ... موجب عقب‌مانده نگه‌داشتن کشورها شد و اجبار به اجرای سیاست‌های کاهش جمعیت، این کشورها را دچار مشکلات و بحران‌های بزرگ‌تر کرد.

□ ارتباط کاهش فرزندآوری با مسائل معیشتی آدرس غلط دادن است.

حجت‌الاسلام محمدمسلم وافی دبیر نهضت ملی جمعیت کشور، با اشاره به عوامل کاهش جمعیت در کشور اظهار کرد: دلایل کاهش فرزندآوری در کشور سبقه تاریخی دارد به طوری که از دیرباز تاکنون عوامل سیاسی و اجتماعی سبب شده که در یک دوره زمانی کوتاه به این نقطه برسیم.

وی تصریح کرد: ارتباط دادن کاهش فرزندآوری به مسائل معیشتی و اقتصادی، آدرس غلط دادن به مردم است البته این به آن معنا نیست که به وضعیت معیشتی افراد نیز بی‌توجه باشیم و آن را بی‌تأثیر بدانیم اما مسائل فرهنگی بسیار بیشتر از مشکلات اقتصادی در افزایش تمایل به فرزندآوری دخیل است.

دبیر نهضت ملی جمعیت کشور بیان می‌دارند که: کشور به سرعت در حال حرکت به سوی سالخوردگی جمعیت است و تجربه کشورهایمانند ما در این وضعیت نشان می‌دهد که مسائل فرهنگی نقش مؤثرتری در فرزندآوری دارد.

حجت‌الاسلام وافی بیان می‌کنند: رهبر انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر به کرات کاهش فرزندآوری را خطرناک‌تر از هر بحرانی برای کشور اعلام کرده ولی به نظر می‌رسد مسئولان هنوز به این موضوع پی نبرده‌اند. ایجاد برخی انگاره‌های ذهنی و دوگانه‌ها یکی از دلایل مهمی است که سبب شده که افراد کمتر به سمت فرزندآوری سوق پیدا کنند که به نظر می‌رسد به نوعی این پارادوکس باید در جامعه حل شده و مسئولان در این مورد همت بیشتری داشته باشند.

دبیر نهضت ملی جمعیت کشور بیان می‌دارند: یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی کشورها است و نیروی انسانی به عنوان سرمایه هر کشور به شمار می‌رود و در نبود آن کشور دچار رکود شده و از پیشرفت باز می‌ماند.

#### □ آسیب‌های پیری جمعیت از مشکلات اقتصادی بیشتر است

کشور ما در معرض آسیب جدی پیری جمعیت قرار دارد، اگر در حوزه جوانی جمعیت و فرزندآوری به موقع عمل نکنیم، به طور قطع در سال‌های آینده با چاله بزرگ جمعیتی مواجه می‌شویم که مشکلات غیرقابل جبرانی فراتر از مشکلات فعلی اقتصادی به دنبال خواهد داشت. در پویش ملی «ایران جوان» در قالب تفاهم‌نامه‌ای که با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه خرید کالای برای پدر، کارت هدیه به مادر و افتتاح حساب سپرده به ازای هر فرزند به زوج‌های دانشگاهی دارای سه فرزند و بالاتر به سهم خود از آنها حمایت می‌شود. در کنار این بسته حمایتی در زمینه

ترویج و تبیین اهمیت جوانی جمعیت از ظرفیت بالای علمی و توان اقناع اجتماعی این قشر فرهیخته جامعه نیز بهره‌مند خواهیم شد.

در پویش ملی «لبخند مادری» که ماه‌های قبل به طور رسمی در سراسر کشور آغاز شده به زوج‌هایی که در سال ۱۴۰۱ فرزند سوم آنها به دنیا آمده است، یک بسته حمایتی شامل ۴۰ قلم لوازم مورد نیاز نوزاد از تولد تا یک‌سالگی به ارزش پنج میلیون تومان اهدا می‌شود.

این طرح با پنج هزار بسته آغاز شده و با همکاری شرکای اجتماعی و خیران این تعداد در هر سال افزایش خواهد یافت.

طبق یک نظریه جمعیتی، رشد جمعیت به پایداری شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر جامعه وابسته است و در نظریه دیگری هم تاکید شده است که برای افزایش نرخ جمعیت باید حمایت مالی و اجتماعی انجام داد اما به نظر می‌رسد این مسیرها تنها راه افزایش جمعیت نیست و برای هر جامعه باید برنامه متناسبی در نظر گرفت.

امروز در ایران بابت هر فرد از زمان تولد حدود ۲ و نیم میلیارد تومان هزینه می‌شود تا به سن اشتغال برسد. این رقم وقتی ضرب در تعداد مولید کشور شود، عدد بزرگی به دست می‌آید و پیام آن این است که برای افزایش جمعیت و حفظ مولید باید به صورت ویژه تلاش شود.

بهره‌گیری از پژوهش‌ها و ایده‌های مبتکرانه که در حوزه افزایش جمعیت در کشورهای دیگر استفاده شده است، در شرایطی هستیم که خلاقیت، ابتکار و ایده‌های نو در این زمینه می‌تواند برای باورمند کردن خانواده‌های ایرانی بسیار راهگشا باشد.

کاهش جمعیت، جامعه را به سمت پیری و مصرف‌گرایی برده است. برای افزایش جمعیت باید بسته‌های حمایتی را در نظر گرفت و بنیان خانواده را تقویت کرد. افزایش جمعیت در کشور به یک الزام تبدیل شده است. در چند سال اخیر تبلیغات زیادی در این راستا انجام شده و مصوباتی هم در حال تبدیل شدن به قانون در راستای افزایش جمعیت است. اما متأسفانه شاهد آن هستیم که هنوز جامعه در مسیر پیری جمعیت قرار دارد. سوالاتی که در این مسیر بیان شده و ما در این نوشتار سعی می‌کنیم پاسخی برای آنها یافته تا گامی در آگاهی بحران جمعیت داشته باشیم.

- چرا افزایش جمعیت در کشور به یک ضرورت تبدیل شده است؟
- آیا انگیزه برای فرزند آوری در بین خانواده‌های ایرانی وجود دارد؟
- راهکارهای ازدواج آسان آیا در بحران جمعیت تأثیر گذار بوده ؟
- آیا افزایش تبلیغات می‌تواند در افزایش فرزند آوری تأثیرگذار باشد؟

• بیشتر خانواده ها تمایل به تک فرزندی دارند این تفکر چه تاثیری در آینده خانواده ها و فرزند دارد؟

در زندگی اجتماعی فعلی برای اینکه جمعیت بتواند به استحکام و بقای نظام اجتماعی کمک کند باید با یک تعادل و توازن درونی و بیرونی همراه باشد.

این متعادل سازی کمی و کیفی جمعیت برای رشد و بقا و شکوفایی هر جامعه ای حائز اهمیت است. یعنی باید به رشد کمی جمعیت توجه شود که کشور دچار پیری و کمبود نیروی انسانی در حوزه های مختلف نشود. اگر چنین وضعیتی پیش بیاید در آینده جامعه دچار رکود و سکون می شود و مسیرهای پیشرفت و شکوفایی سد می گردد.

همچنین نیروی انسانی جوان و با انگیزه می توانند در زمینه های مختلف با تفکر واگرا و خلاقیت موانع را شناسایی و زمینه رشد و رفاه جامعه را ایجاد کند، از طرف دیگر، به افزایش امید به زندگی، رونق سبک زندگی ایرانی - اسلامی، کاهش آسیب های اجتماعی و حتی بازتوزیع جمعیت در پهنه کشور توجه می کند.

طبیعتا عوامل متعددی از جمله مسائل اقتصادی و مالی، شغل و رفاه و خدمات درمانی و آموزش و ... در فرزندآوری و تربیت و رشد آنها نقش دارد و ایجاد انگیزه یا سلب انگیزه تک بعدی و ابزار گونه نیست برای این مهم و ایجاد انگیزه و روحیه در خانواده ها حتما باید برخورداری خانواده ها از تامین اجتماعی، خدمات درمانی کمک هزینه های خاص، مرخصی و یکسری امتیازات خاص به دور از هر گونه تبعیض در نظر گرفته شود تا مشکلات مالی و اقتصادی کمتر حس گردد و خانواده ها گنج ارزشمند فرهنگ اصیل خود را حفظ کنند، شاهد رویش روحیه های امیدوار و با انگیزه، شجاع، مسئول، روشنفکر و روشن بین باشیم. و با پررنگ کردن ارزش های اسلامی مسئولیت پذیری در خانواده ها ایجاد شود.

تبلیغات فرهنگی با موضوع تقویت بنیان خانواده، جوانی جمعیت و احیا ارزش های اسلامی-ایرانی حاکم بر نهاد خانواده و برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی مهارت های تعامل با خانواده و تربیت فرزندان بر اساس برنامه های آموزشی تدوین شده، راه اندازی نظام جامع ارائه خدمات سلامت روان شامل خدمات مشاوره روانشناسی و خانواده و انجام اقدامات لازم به منظور مشارکت با بخش خصوصی و یا خرید خدمات جهت تأمین مهد کودک برای نگهداری کودکان مادران شاغل و بازنگری در اسناد طرح های توسعه شهری از جمله طرح های جامع و تفصیلی جهت بازنگری در ضوابط و رفع محدودیت های ساخت و سازهای کوچک مقیاس با هدف تأمین مسکن برای زوج های جوان است که می تواند موثر باشد.

برای افزایش ازدواج دادن یک سری امتیازات و بسته های حمایتی و رفع موانع موجود می باشد. یکی از موانع فعلی عدم حمایت مفید و کارآمد از جوانان می باشد طوری که حتی برای یک وام ازدواج ساده فرد برای درگیر و دار اداری بانک کاملاً انرژی خود را صرف و فرسوده و بی انگیزه شود. برای یک وام ساده و ضمانت و ... با موانع زیادی مواجه می گردد که همین مسائل ساده انگیزه را از جوانان سلب نموده؛ در کنار این مسائل بحث تورم، بیکاری و مشکل اشتغال، مسکن و .... می تواند یک مانع باشد که دولتمردان با در نظر گرفتن یک سری راهکارها در این زمینه می تواند در بین جوانان ایجاد انگیزه و آنها را به امر ازدواج تشویق نمایند.

در کنار اینها پررنگ کردن ارزش های معنوی و فرهنگی و دینی می تواند گره گشا باشد بطوریکه در اسلام، مسئولیت اجتماعی تا حدی اهمیت دارد که می گوید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» یعنی اسلام انسان ها را تا حدی نسبت به اجتماع و بشریت مسئول می خواهد که کسی را که به امور جامعه اهمیت نمی دهد از اسلام خارج می داند. این همان رمز مسئولیت پذیریست که مدنظر ماست؛ تقوا کنترل درونی ضمانت کننده مسئولیت پذیری نسبت به خانواده و جامعه است که باعث می شود تنوع طلبی ها و مقایسه ها و کم حوصلگی ها امنیت خانواده را به خطر نیاندازد و افراد از وظایف طبیعی و اجتماعی خود شانه خالی نکنند.

قطعا در طرح تنظیم خانواده باید وزارتخانه های بهداشت، رفاه، آموزش و پرورش، آموزش عالی و صدا و سیما مسئولیت اجرای برنامه های آموزشی و تبلیغاتی مختلفی را به منظور فرهنگ سازی برای افزایش فرزندآوری داشته باشند مثلاً تنظیم خانواده سیاست های تشویقی برای افزایش جمعیت از جمله پرداخت حق عائله مندی و بسته های حمایتی و معیشتی و .. تا مقداری از بار سنگین با توجه به مشکلات مالی کاهش پیدا نماید. سیاست های حوزه خانواده مبنی بر پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت و رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و ... باید در دستور کار قرار گیرد و همچنین اقداماتی مانند: ارائه خدمات بهداشتی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری، ارائه مشوق های عملی و رفع موانع ازدواج، تشویق و ترویج خانواده، استفاده از فضاهای مناسب در اختیار به منظور برگزاری مراسم ازدواج جوانان و ... کرده است. الگوی ازدواج و زناشویی، همگام با سایر تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، در گذر زمان، تحولات زیادی را تجربه نموده و اشکال و انواع مختلفی پیدا کرده است. گذار جوامع از مرحله سنتی به مرحله صنعتی و مدرن، منجر به تحولات شگرفی در زندگی اجتماعی بشر شد. از جمله آنها تحولات در وضع زناشویی افراد جامعه است که در دهه های اخیر در دنیا و در گذار دوم جمعیتی رخ داده است. این تغییرات شامل تحول در شکل و الگوی ازدواج، افزایش سن ازدواج و طولانی تر شدن دوره تجرد، شکل گیری انواع مختلف خانواده و تغییرات میزان های ازدواج و طلاق است.

هر چند که وضعیت زناشویی مستقیماً در تغییرات حجم و تعداد جمعیت اثر ندارد، اما ارتباط تنگاتنگی با وقایع مهم جمعیتی مانند باروری، مرگ و میر، مهاجرت و تحرک مکانی و نیز تحولات چرخه زندگی افراد دارد. از این رو توجه به تغییرات آن در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی اهمیت می‌یابد.

تاخیر در سن ازدواج در کشورهای توسعه‌یافته در کاهش باروری بی‌تأثیر نبوده است. این امر به‌ویژه تأثیر خود را از طریق تحصیلات زنان نشان می‌دهد، تحصیلات زنان احتمالاً سن ازدواج آن‌ها را افزایش داده و حتی در بعضی از موارد ممکن است احتمال وقوع ازدواج را برای آن‌ها کاهش دهد. در هر دو حالت این وضع بر باروری تأثیر داشته و موجبات کاهش مولید را فراهم می‌آورد. چشم‌انداز آینده باروری در ایران ساده نیست. سطح باروری تا اندازه‌ای به تمایلات فردی والدین وابسته بوده و این مسئله خود تحت نفوذ شرایط اقتصادی اجتماعی جاری، وضعیت سیاسی و آرمان‌های عمومی و فرهنگی قرار دارد. استفاده موثر از روش‌های تنظیم خانواده احتمال دستیابی به چنین تمایلاتی را افزایش می‌دهد.



## نتیجه گیری:

آنچه که در مسئله بحران جمعیت نقش اساسی دارد بیان نگاه فرهنگی جامعه به فرزند آوری می باشد این بدان معنا نیست که مسئله اقتصادی و معیشتی نقشی ندارد، خیر؛ این مسئله با مدیریت و برنامه ریزی دولتمردان و مسئولان قابل حل هست اما نقش تبلیغات، رسانه و فرهنگ سازی بیش از همه مسائل پررنگتر جلوه میکند.

پایان